



تبیین جنگ شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

رهبر طالعی حورا، مرتضی ابراهیمی، رضا محموداوغلی^۳

۳۷

دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۷
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۱/۰۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۲۹
صص: ۸۷-۶۳

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت کوالی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره مبتنی بر الگوی رفتاری تعارضی بوده است. آمریکا در طول بیش از چهار دهه گذشته انواع سیاست‌ها را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته که تحقق نیافتن برخی از سیاست‌ها، آن کشور را وادار به تغییر رویکرد نموده است. رویکردی که در حال حاضر مورد توجه آن کشور بوده، جنگ شناختی است. بنابراین هدف اصلی این مقاله تبیین جنگ شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است و سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که آمریکا از جنگ شناختی علیه ایران چه اهدافی را دنبال می‌نماید؟ در پاسخ به سؤال تحقیق، فرضیه بحث این گونه طرح می‌گردد که مشروعیت‌زدایی، اعتمادزدایی، امنیتی‌سازی، راه‌اندازی نافرمانی مدنی، تضعیف سبک زندگی ایرانی اسلامی و ترویج سبک زندگی غربی از مهم‌ترین اهداف آمریکا از جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده که با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای دنبال می‌شود. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تهدیدات ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها کاهش نیافته بلکه جنبه انباشتی به خود گرفته و در حال حاضر جنگ شناختی یکی از کم هزینه‌ترین و در عین حال تاثیرگذارترین رویکردهای است که آن کشور برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته و مصونیت بخشی به جامعه در برابر این جنگ، نیاز به تلاش همه جانبه خواهد بود. این پژوهش از نوع توصیفی - تبیینی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویس اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، جنگ شناختی، تکنیک رسانه‌ای.

DOR: 20.1001.1.23225580.1403.14.2.3.4

۱. دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

R.talei@uma.ac.ir

۲. دانشیار علوم سیاسی گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳. دانشیار علوم سیاسی گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

جمهوری اسلامی ایران با موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده راهبردی، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. عوامل موثر بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران اعم از عوامل ثابت یا غیر ثابت، تاریخ، فرهنگ و سیاست باعث شده تا در طول تاریخ به عنوان یک قدرت مهم و تاثیرگذار بر روندهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار آید و به همان میزان نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ واقع شده است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد تغییر وضع موجود و ماهیت انقلابی نظام حاکم در ایران موجب شد قدرت‌های بزرگ در برابر این نظام سیاست تقابلی را بکار بگیرند و الگوی رفتاری تعاملی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط ایران و آمریکا حاکم بود جای خود را به الگوی تعارض و واگرایی داد که با گذشت چندین دهه، این الگوی رفتاری همچنان در روابط دو کشور حاکم است. آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته راهبردها و سیاست‌های مختلفی را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به کار گرفته که از رویکردهای مختلف برای رسیدن به این سیاست‌ها بهره گرفته است. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر ایالات متحده آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته، جنگ شناختی است که این جنگ شکل تکامل یافته و پیچیده‌تر جنگ روانی یا گونه‌ای از جنگ اطلاعاتی، مبتنی بر ارتباطات شبکه‌ای و مدیریت ادراکات بشری است. رسانه، مهم‌ترین ابزار جنگ شناختی است. به‌کارگیری تکنیک‌های متنوع و دستکاری در پردازش و انتقال اطلاعات در این جنگ، مخاطب را به سمت اهداف از پیش تعیین شده هدایت می‌کند. هدف جنگ شناختی نفوذ به ذهن تک‌تک افراد برای دستکاری‌های ذهنی، تغییر نگرش، تغییر و تسلط بر مدل تحلیل اطلاعات در افراد، اثرگذاری بر تصمیم‌گیری و اقدامات افراد، پیش‌بینی کنش‌های فرد، مدیریت هیجانات و احساسات و حب و بغض‌ها با مدل‌سازی ریاضی فرایندهای ذهنی و استفاده حداکثری از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین بنابراین هدف اصلی این پژوهش تبیین جنگ شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است و سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که آمریکا از جنگ شناختی علیه ایران چه اهدافی را دنبال می‌نماید؟ در پاسخ به سؤال تحقیق، فرضیه بحث این گونه طرح می‌گردد که مشروعیت زدایی، اعتماد زدایی، امنیتی سازی، راه اندازی نافرمانی مدنی، تضعیف سبک زندگی ایرانی-اسلامی

و ترویج سبک زندگی غربی از مهم ترین اهداف آمریکا از جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده که با استفاده از تکنیک های رسانه ای دنبال می شود.

در خصوص اهمیت و ضرورت تحقیق می توان به صحبت های رهبر معظم انقلاب اشاره کرد که می فرماید: «این سیستمی که می تواند یعنی به خودش حق می دهد که سرزمین یک کشوری را تصرف کند، آیا به خودش حق نمی دهد که بر روی ذهن آنها اثر بگذارد؟ شما گفتید که این فناوری شناختی می تواند اضطراب و ترس را برطرف کند؛ اما می تواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند؛ می تواند در تصمیم گیری ها هم اثر بگذارد؛ اگر بتواند نمی کند این کار را؟ قطعاً می کند» (مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳). بنابراین با توجه به اینکه عموم جامعه در آماج این نوع جنگ قرار گرفته، پرداختن به آن با هدف ایجاد مصونیت در جامعه از ضرورت انجام این پژوهش است. سازماندهی پژوهش به این صورت خواهد بود که ابتدا مفهوم جنگ شناختی به عنوان چارچوب مفهومی مورد بحث قرار می گیرد. در بخش دوم به اهداف آمریکا از جنگ شناختی اشاره شده و در بخش بعدی مهم ترین تکنیک های جنگ شناختی آمریکا تبیین می گردد.

پیشینه تحقیق:

روابط ایران و آمریکا به دلیل ویژگی خاص خود مورد توجه پژوهشگران بوده و پژوهش های زیادی در این خصوص انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می گردد:

اسماعیلی و نصراللهی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «بررسی نقش شبکه های فارسی زبان ماهواره ای بر رفتار سیاسی جوانان» به این نتیجه رسیده اند بین تماشای شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و فرهنگ سیاسی جوانان همبستگی معکوس وجود دارد؛ به بیان دیگر، جوانانی که شبکه های ماهواره ای فارسی زبان را تماشا می کنند، فرهنگ سیاسی منفعلانه ای دارند. هم چنین با افزایش تماشای شبکه های ماهواره ای فارسی زبان از میزان اعتماد سیاسی جوانان کاسته می شود.

نزاکی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «بازنمایی انقلاب اسلامی ایران در تلویزیون ماهواره ای "من و تو" تحلیل گفتمان انتقادی مستند "از تهران تا قاهره"» نتیجه می گیرد که گفتمان شبکه من و تو در تقابل با گفتمان نظام جمهوری اسلامی است که اهدافی همچون زیر سؤال بردن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی و وجهه مردمی انقلاب اسلامی، ایجاد نفرت در مخاطب، تأیید و مشروعیت بخشی به رژیم

پهلوی و ایجاد علاقه نسبت به آن، زمینه سازی و ایجاد آمادگی ذهنی نسبت به پذیرش دوباره حاکمیت پهلوی و ترسیم آینده‌ای آرمانی، سرشار از آزادی، توسعه یافتگی، احترام و دوستی را دنبال می‌کند. محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در تغییر سبک زندگی شهروندان تهرانی» به این نتیجه می‌رسد که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در تغییر سبک زندگی شهروندان تهرانی تاثیر معناداری دارند. و بر ترویج خشونت در خانواده، گسست نسلی، زمینه های اختلاف و تنش بین همسران، افزایش مصرف گرایی تاثیرگذار هستند.

شمولی و دولت آبادی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در دولت جو بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی تا مشروعیت‌زدایی» نتیجه می‌گیرند که هدف آمریکا از بکارگیری این دو سیاست طی یک فرایند سینوسی و فرمایشی، تهی‌سازی و اعتبارزدایی از نظام سیاسی ایران در دو سطح داخل و خارج و تهی‌سازی ظرفیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران است.

ریاضی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «معرفی مولفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که هشت مولفه دیپلماسی - سیاسی، روانی، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی، حمایت از درگیری داخلی، نیروهای نظامی منظم و نیروهای ویژه به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران محسوب می‌شود.

محمبوب و شکوری (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی» به این نتیجه رسیده‌اند که براساس رنسانس علوم و فناوری‌های شناختی، برتری آینده برتری شناختی خواهد بود که آن در گرو قدرت نمایی در عرصه جنگ شناختی ترسیم می‌کنند و تاکید می‌کنند که ضروری است با ایجاد پژوهشکده‌های علوم و فناوری‌های جنگ شناختی، مراکز دفاع شناختی، قرارگاه و فرماندهی رزم شناختی و تربیت افسران جنگ شناختی، زمینه‌های فراهم آورد تا بتوان به سیاستگذاری، خط مشی‌گذاری، برنامه ریزی و اقدام‌های عملی برای انجام عملیات‌های آفندی و پدافندی در عرصه جنگ شناختی پرداخت.

قربانیان و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش قدرت نرم دشمنان در مدیریت رسانه و رایه راهکارهای مقابله‌ای از منظر قرآن کریم»، با استفاده از روش گرند تئوری به این نتیجه رسیده‌اند که قدرت نرم دشمنان در مدیریت رسانه تاثیرگذار بوده و قرآن کریم راهکارهای متقن و مناسبی برای

مقابله با آن از قبیل بصیرت افزایی، ارتقاء علم و دانش، تشخیص اعتقادات رسانه‌ها، اتخاذ سیاست‌های جذب مخاطب، بکارگیری مناسب قلم و کلمه و... ارایه کرده است.

شعبانی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مولفه‌های قدرت نرم ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (دولت یازدهم و دوازدهم)» به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا به دلیل استفاده مطلوب از مولفه‌های قدرت نرم با اثرگذاری بر سطح آگاهی‌ها، تغییر سبک زندگی و افزایش مطالبات سیاسی در دولت یازدهم و دوازدهم موجب تقویت بسترهای بی ثباتی سیاسی و نفوذ در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی گردیده است.

بررسی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که پژوهش حاضر نوآوری اساسی را در مقایسه با پژوهش‌های گذشته دارد که این نوآوری‌ها به بررسی جامع‌تر، دقیق‌تر و کاربردی‌تر موضوع کمک کرده است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را از ابعاد غیر از جنگ شناختی مورد بررسی قرار داده ولی این تحقیق تهدید آمریکا را صرفاً در قالب جنگ شناختی مورد مطالعه قرار داده که این رویکرد جامع به درک بهتری از پیچیدگی‌های جنگ شناختی و رویکردهای تعارضی آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران کمک می‌نماید.

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش تحقیق توصیفی - تبیینی است. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات و کتب و پویش‌های اینترنتی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از استدلال و تحلیل عقلایی به صورت کیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به اینکه نتایج حاصله مورد استفاده پژوهشگران مرتبط با موضوع و همچنین سیاستگذاران عرصه سیاست و امنیت قرار می‌گیرد، در زمره تحقیقات کاربردی است و با توجه به اینکه راهکارها و توصیه‌هایی جهت مصونیت بخشی به جامعه در برابر جنگ شناختی آمریکا ارائه می‌شود بنابراین پژوهش جنبه تجویزی نیز دارد.

چارچوب مفهومی:

جنگ، به عنوان یک نوع منازعه اجتماعی و سیاسی خشونت آمیز و سازمان یافته، همزاد جوامع انسانی بوده و در طول تاریخی یکی از مهم ترین دل نگرانی‌ها و دل مشغولی‌های بشر به شمار می‌رفته

است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۳۴). جنگ‌ها همیشه و در همه حال در شرف تغییر شکل، راهبرد، هدف و رویکرد هستند. براساس دسته بندی‌های رایج از نسل‌های مختلف جنگ، در یک نگاه کلی و کلان می‌توان گفت که بشر تاکنون پنج نسل از انواع جنگ‌ها را پشت سر گذاشته است. نسل اول جنگ‌ها را می‌توان جنگ نبردهای تن به تن برای بقا فرد یا قبیله نامید که وسایل و ادوات جنگی ساده همانند شمشیر، نیزه و... در آن‌ها به کار گرفته می‌شد. نسل دوم جنگ‌ها عموماً با اختراع آتش و باروت شناخته می‌شود و اختراع باروت تحول عمده‌ای در نحوه جنگ، تاکتیک‌ها و آرایش‌های جنگی به وجود آورد. نسل سوم جنگ‌ها با پدیدار شدن و تاثیر گذار بودن آتش توپخانه و هواپیماها و هواگردها در صحنه جغرافیایی نبرد متمایز می‌شود. افزایش فاصله خطوط مقدم طرفین در نبرد نسبت به نسل‌های قبلی به دلیل تولید سلاح‌های منحنی زن، بمباران تجهیزات و زیر ساخت‌های حیاتی طرف مقابل و حتی کشیده شده جنگ به غیر نظامیان از مشخصه‌های این دوره از جنگ‌ها به شمار می‌آید. نسل چهارم جنگ‌ها نسلی است که در آن فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات نقش بسزایی دارند. این نسل از جنگ‌ها فناوری محور بوده و اتکای کمتری به سازمان‌های انسانی متراکم دارد. از دیگر مشخصه این دوره از جنگ‌ها می‌توان به تولید مهمات هوشمند جهت انهدام اهداف با افزایش ضریب تلفات وارده بر دشمن، به کارگیری فناوری تجهیزات روباتیک و بدون سرنشین جهت جمع‌آوری، پردازش اطلاعات و اجرای عملیات‌های تهاجمی اشاره کرد. نسل پنجم جنگ‌ها را می‌توان نسل جنگ‌های ادراکی - اطلاعاتی و یا به عبارت بهتر جنگ شناختی^۱ نامید که بر خلاف ادوار قبلی جنگ، سوخت اصلی آن دستیابی و انتشار اطلاعات در بستر رسانه است و نسبت به دوره‌های قبلی جنگ، دارای شمولیت و فراگیری است و می‌توان گفت که همه افراد یک جامعه را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳: ۱۵-۱۶)

جنگ شناختی به معنای استفاده از علوم شناختی در هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک برداشت است (جوانی، ۱۴۰۱: ۱۳). جنگ شناختی راهبردی است که بر تغییر فکر جامعه هدف، و نحوه رفتار آن، تمرکز دارد. هدف جنگ شناختی اجبار دشمن به عملی ساختن اراده‌هاست. جنگ شناختی حمله به اطلاعات با اطلاعات در فضای ذهن مخاطبان مورد هدف، برای ایجاد آشوب و صدمه است.

هدف اصلی در این جنگ تغییر ریشه‌ای نحوه فکرکردن افراد، باورها و پارادایم‌های ذهنی است. جنگ شناختی برای جذب مخاطب، تاثیرگذاری بر نگرش و رفتار، ایجاد اختلال در تصمیم‌گیری، از بین بردن اعتبار دشمن، ممانعت از رسیدن پیام‌های درست به جامعه هدف و موارد مشابه نیست، بلکه همه این موارد شرایط را برای جنگ شناختی مهیا می‌کنند. جنگ شناختی، رهیافتی ترکیبی از ظرفیت‌های نبرد غیر جنبشی، متعلق به فضای سایبر، اطلاعات، روانشناسی، مهندسی اجتماع برای پیروزی در جنگ بدون رودرویی فیزیکی است (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۶-۱۴۷).

نظریه پردازان مفهوم جنگ شناختی اعتقاد دارند که فضای مجازی، عمده منبع شناخت در دوران پسا مدرن خواهد بود. عمده روابط انسان در دوران پسا مدرن براساس دادها و اطلاعات تبادل شده و تجزیه و تحلیل شده در این فضا سامان می‌یابد (کشاورز و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۸). اگرچه قدرت متقاعدسازی از زمان سان‌تزو و ارسطو شناخته شده است، اما اکنون این توانایی وجود دارد که از طریق فناوری‌های جدید بر ظرفیت‌های شناختی انسان به طور مؤثرتری تأثیرگذاری شود. در واقع، کمیت اطلاعاتی که ما در معرض آن قرار می‌گیریم به طور تصاعدی در حال رشد است و به طور جدایی‌ناپذیری با فناوری‌ها مرتبط است. در نتیجه، توسعه ابزارهای پیچیده‌تر مانند هوش مصنوعی، استراتژی‌های ارتباطی، بازاریابی، برندسازی و علوم اعصاب به دلیل ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها، یعنی سوگیری‌های شناختی یا اکتشافی، دست‌کاری را تسهیل می‌کند و چالش مهمی را شکل می‌دهد؛ لذا جوامع به اهداف آسانی برای جنگ شناختی تبدیل شده‌اند، به‌ویژه اینکه احساسات بر عقل سلطه یافته است. افراد به جای اطلاعات متناقض، به اطلاعاتی توجه می‌کنند که ایدئولوژی و تعصبات آن‌ها را تأیید می‌کند. فناوری‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی این سوگیری‌ها را تقویت کرده‌اند. اکنون حجم بیش از حد اطلاعات (غیرقابل تأیید) وجود دارد. مردم تیتراها را می‌خوانند و به محتوا توجهی نمی‌کنند، در نتیجه حقایق زیر سؤال می‌رود، تضادها تشدید می‌شود، شکاف اجتماعی ایجاد می‌شود و ایمان به نهادها تضعیف می‌شود (امینی و مبینی، ۱۴۰۲: ۴۷).

جنگ شناختی، دارای قدرت و ماهیت موزیانه است که درک و واکنش‌های عادی ما را نسبت به رویدادها مختل می‌کند. جنگ شناختی یک فرایند اطلاعات نادرست است که از نظر عصب‌شناسی گیرنده‌های اطلاعات را از بین می‌برد و به طور استراتژیک از طریق منابع اطلاعاتی مانند رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌ها، منابع اینترنتی، فیلم‌ها، عکس‌های خارج از زمینه، منابع ساده مانند کاریکاتورهای

سیاسی و حتی وبسایت‌هایی که به‌خوبی برنامه‌ریزی شده است که تولید اطلاعات نادرست را تشویق می‌کند، منتشر می‌شود. جنگ شناختی عبارت است از دست‌کاری گفتمان عمومی توسط عناصر خارجی که به دنبال تضعیف وحدت اجتماعی یا آسیب رساندن به اعتماد سیاسی به‌نظام سیاسی هستند (Rosner & Siman-Tov, 2018:1).

کارکرد جنگ شناختی در فضای نفوذ به اذهان افراد در جهت دست‌کاری‌های ذهنی، دگرذیسی نگرش، تغییر و تسلط بر مدل تحلیل اطلاعات در افراد، اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات افراد، پیش‌بینی کنش‌های رقیب، مدیریت هیجانات، احساسات و تمایلات، مدل‌سازی ریاضی فرایندهای ذهنی، استفاده حداکثری از پتانسیل هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین است (حاجی زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۶). هدف جنگ شناختی، ایجاد تحول در نحوه نگرش افراد به محیط پیرامون و زمینه‌سازی برای انجام کاری خاص است. مخاطب جنگ شناختی همه هستند، از عوام تا خواص؛ دانشجو، استاد دانشگاه، کسبه، کارمند، دانش‌آموز، زنان و... همگی مخاطبان جنگ شناختی هستند و در این جنگ از ظرفیت هر یک از این اقشار و اصناف بهره‌ای می‌برد.

۱- اهداف جنگ شناختی آمریکا علیه ج.ا. ایران

محققان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، عقیده دارند کشورهایی که از آنها در ادبیات روابط بین‌الملل به‌عنوان هژمون نام برده می‌شود، خواهان مدیریت جهان، به‌شیوه خودشان هستند. همین محققان، بیان می‌کنند که تاکنون چهار نوع مدیریت را پشت سر گذاشته‌ایم؛ که در نوع اول، شاهد مدیریت براساس سلطنت، قدرت و زور بودیم که تا سال ۱۹۸۰ ادامه داشت و بعد از آن، مدیریت طبقاتی مانند بورژوا در انگلیس و طبقه کارگر در شوروی، به‌عنوان جایگزین آن قرار گرفت. در مرحله سوم، شاهد نمود صنایع فرهنگی و حکمرانی از طریق این صنعت بودیم، محققان عقیده دارند که در حال حاضر، وارد عرصه جدیدی از مدیریت شده‌ایم که از آن با عنوان مدیریت ذهن نام برده می‌شود که باعث شده تا سیاستمداران و تصمیم‌گیران بین‌المللی برای پیشبرد اهداف خود، به حوزه جنگ شناختی مراجعه کنند (پژوهشکده صدر، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

استفاده از تکنیک های جنگ شناختی توسط ایالات متحده آمریکا سابقه ای طولانی دارد. جیمز بلک ول نویسنده کتاب «صاعقه در صحرا» و به عنوان بازنشسته ارتش آمریکا و تحلیل گر نظامی شبکه CNN در مقاله قلمرو جنگ شناختی اشاره می کند که آمریکا سال ها قبل در دوران جنگ سرد علیه سیستم شوروی این شیوه جنگ را مورد استفاده قرار داده است و معتقد است امروز باید این تجربیات را در ابعادی گسترده تر علیه چند کشور از جمله ایران پیاده کرد (حاجی زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۴). به عنوان مثال، در دهه ۱۹۷۰ و در بجهوجه جنگ سرد میان شوروی سابق و آمریکا، یکی از وظایف کمیته‌ای به نام «کمیته خطرات جاری» به زانو درآوردن دشمن از طریق جنگ نرم و تبلیغات و هجمه های رسانه ای بود. بعد از فروپاشی شوروی، فعالیت این کمیته برای مدتی معلق شد؛ اما بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گروهی از اعضای این کمیته بار دیگر گرد هم آمده اند تا همان فعالیت ها علیه شوروی را علیه دیگر کشورهای مخالف آمریکا نظیر چین، روسیه و ایران در پیش بگیرند (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۲).

آمریکا آشکارا انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌های آن را دشمن خود تعریف کرده و در طول بیش از چهار دهه گذشته، اقداماتی را با هدف تضعیف انقلاب اسلامی انجام داده است. تجاوز نظامی طبرستان و کودتای نقاب، هشت سال جنگ تحمیلی، دامن زدن به اختلاف‌های قومی، نژادی و مذهبی، سرنگونی هواپیمای مسافربری، سازماندهی و پشتیبانی از نیروهای ضد انقلاب، متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و اخلال در روند صلح غرب آسیا، طرح محور شرارت، ایران هراسی، برجسته سازی موضوع هسته‌ای ایران در مجامع بین‌الملل و در پی آن تحریم‌های اقتصادی، جاسوسی با هواپیماهای بدون سرنشین، طراحی و عملیاتی کردن ترور دانشمندان هسته‌ای، راه اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی فارسی زبان جهت تخریب ایران در افکار عمومی بین‌الملل و... از مهم ترین اقداماتی است که آمریکا در طول بیش از چهار دهه گذشته بر علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است (آجیلی، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

دولتمردان آمریکا سیاست‌های سخت‌افزاری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران را دارای پیامدهای منفی و هزینه زیاد برای آن کشور می‌دانند، بنابراین تلاش می‌کنند از راه‌های کم هزینه تر برای رسیدن به اهداف خود استفاده نمایند که در کنار اعمال تحریم‌های اقتصادی همه جانبه استفاده از جنگ

شناختی در دستور کار آن کشور قرار گرفته است که با توجه به تاثیر جنگ شناختی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ادامه بحث، مهم‌ترین اهداف آمریکا از جنگ شناختی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱- مشروعیت زدایی

مشروعیت یک شیوه کنترل اجتماعی است که سبب می‌شود تا یک کنشگر به لزوم اطاعت از قاعده یا نهادی اعتقاد یابد. این اعتقاد در کنشگر گونه‌ای انگیزه درونی برای پیروی از قواعد و مقررات ایجاد می‌کند (شمولی و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۰: ۵۴؛ گریفیتس، ۱۳۸۸: ۹۱۰). از دید کلازویتس، مهم‌ترین موضوع اقتدار واحدهای سیاسی در فرآیند جنگ نرم، در قالب مشروعیت سازی است (شمولی و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۰: ۵۴؛ ترابی، ۱۳۸۹: ۵۴).

ایالات متحده طی سال‌های گذشته درصدد برآمده تا زمینه مقابله و محدود سازی ایران را از طریق فرآیندهایی فراهم آورد که مبتنی بر فرسایش ساختار و مبانی قدرت ملی کشورند. بنابراین رسانه‌هایی با هدف تاثیرگذاری مستقیم در ایران راه‌اندازی شده‌اند و در کنار آنها خبرگزاری‌های بین‌المللی آمریکا و سایر رسانه‌های بین‌المللی آن کشور که منبع خبری بیشتر خبرگزاری و رسانه‌های دنیا هستند، نقش موثری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و اجماع سازی علیه ایران، مشروعیت زدایی از آن دارند.

۱-۲- اعتماد زدایی

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. اگرچه ممکن است عملکرد ضعیف دولتمردان در مدیریت مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه حس بی‌اعتمادی را در جامعه تقویت می‌کند اما یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا در جنگ شناختی در جمهوری اسلامی ایران ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه و شکاف بین مردم و حاکمیت است، رسانه‌ها به عنوان اصلی‌ترین ابزار در جنگ شناختی آمریکا، با استفاده از شگردها و تکنیک‌های گوناگون رسانه‌ای در گزارش‌هایی که به مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌پردازند، ملت ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را همچون دو عنصر کاملاً جدا از هم نشان می‌دهد که از جنبه‌های مختلف در تقابل با یکدیگر و دچار شکافی پرنشدنی هستند.

رسانه‌های دشمن در جنگ شناختی با دیده نشدن واقعیت ایران اسلامی به دنبال القای یاس و ناامیدی به مردم و جوانان است. ناامید سازی و ناکارآمد نشان دادن حاکمیت با هدف اعتماد زدایی در جامعه یکی از اهداف جنگ شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است که این امر از طریق دروغ گویی، تحریف و بزرگ نمایی مشکلات در کشور در رسانه‌های تحت حمایت آمریکا دنبال می‌شود (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۸).

۳-۱- امنیت سازی

مفهوم امنیتی ساختن، یکی از کانونی‌ترین مفاهیم در مکتب کپنهاگ است که تعریف امنیت به عنوان کنش کلامی مرکز ثقل این بخش می‌باشد، برای مکتب کپنهاگ امنیتی کردن تنها یک عمل گفتاری یا یک سازه اجتماعی نیست، بلکه نوعی عمل سیاسی هم محسوب می‌شود (williams, 2003: 514). با وقوع انقلاب اسلامی روند امنیتی‌سازی از جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است. امنیتی‌سازی یک موضوع گفتمانی است تا سخت افزاری و آمریکا تلاش کرده با طرح برخی موضوعات به امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل دامن بزند. با توجه به اینکه اهداف اصلی در جنگ شناختی نفوذ به ذهن افراد با هدف دست‌کاری ذهنی و تغییر نگرش آنها است، آمریکا از این نوع جنگ در موضوع امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران بهره زیادی برده تا اذهان عمومی جهان را تحت تاثیر قرار دهد. در اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا و در رسانه‌های آن کشور به طور مشخص موضوع اتهام آمیز حمایت ایران از تروریسم، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مورد تاکید قرار گرفته است و نگاه منفی افکار عمومی در جهان نسبت به جمهوری اسلامی ایران به دلیل امنیتی‌سازی است که آمریکا در رسانه‌های خود به آن دامن زده و تلاش نموده فناوری‌های پیشرفته ایران در حوزه هسته‌ای و موشکی را تهدیدی برای نظام بین‌الملل و ناامنی در جهان نشان دهد.

۴-۱- راه اندازی نافرمانی مدنی

مقصود از نافرمانی مدنی، همکاری و اطاعت نکردن مردم از درخواست‌ها، دستورها و قوانین دولتی است و از این نظر، نقطه مقابل اطاعت‌پذیری و فرمان برداری قرار می‌گیرد. از آنجا که پیوند مردم با حاکمیت، یکی از منابع مهم قدرت حاکمان و از مفاهیم کلیدی مناسبات قدرت به شمار می‌آید، سرباز زدن از اطاعت و مقاومت در برابر خواست حکومت، می‌تواند به قطع ارتباط حکومت از مهم‌ترین منبع قدرت منجر شود.

نافرمانی مدنی می‌تواند زمینه مناسبی را برای هرج و مرج در جامعه به وجود آورد و دستاوردهای مدنی جامعه‌ای را با خطر جدی مواجه سازد، چرا که نافرمانی مدنی به افراد یاد می‌دهد که می‌توان به صورت دسته جمعی، قانون شکنی کرد و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را نادیده گرفت و زیر پا گذاشت. برخی از گروه‌های اپوزیسیون که مورد حمایت آمریکا هستند با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، مردم ایران را به نافرمانی مدنی تشویق می‌کنند؛ تشویق کنار گذاشتن حجاب به عنوان یک امر قانونی در کشور، خواندن سرود ای ایران به جای سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، حمل پرچم‌هایی بدون آرم جمهوری اسلامی، استفاده از وسائل برقی در اوج مصرف برق در کشور برخلاف توصیه‌های دولتمردان به رعایت مصرف، ایجاد ترافیک در شهرها از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر مورد تاکید رسانه‌های در اختیار اپوزیسیون قرار گرفته که گسترش دامنه نافرمانی مدنی در جامعه می‌تواند زمینه ساز بروز ناآرامی‌هایی در کشور شود که مصادیق آن در ناآرامی‌های سال‌های گذشته مشاهده شده است.

۵-۱- تضعیف سبک زندگی ایرانی - اسلامی و ترویج سبک زندگی غربی

به عقیده صاحب نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان بینی مادی و ارزشهای لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همانطور که جهان بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴).

اسلام به حفظ نهاد خانواده اهتمام ویژه‌ای دارد. در یک جمله می‌توان گفت خانواده شاهراه اصلی رسیدن به پیشرفت و کمال است و همین جایگاه عظیم سبب شده که عوامل مختلف دست به دست هم دهند تا این مسیر را مسدود کنند. دشمن از این راه درصدد است تا با هدف گرفتن خانواده و تقدس‌زدایی و از بین بردن کارکردهای آن جلوی پیشرفت جامعه را بگیرد، زیرا پیشرفت و سلامت جامعه در گرو خانواده سالم است. یکی از راهبردهای غرب در راستای این هدف، تغییر سبک زندگی است (آذرشب و میرمرادی، ۱۳۹۳: ۹).

کشورهای غربی و در راس آن آمریکا سالیان سال در تلاش بوده‌اند تا سبک زندگی غربی را به عنوان الگوی زندگی صحیح به مردم سراسر جهان از جمله ایران عرضه نمایند. در شرایط فعلی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با کارکردهای مشخص سرگرمی، فیلم، تفریح به دنبال ترویج الگویی

خاص از سبک زندگی هستند که در نقطه مقابل سبک زندگی ایرانی-اسلامی است. تغییر تفکر و تغییر سبک زندگی و اندیشه یکی از موضوعاتی است که در دستور کار شبکه‌های ماهواره‌ای قرار گرفته است که پایه اصلی این تغییر نیز مصرف‌گرایی است زیرا هر چه میزان مصرف در جوامع بالا برود، خرید، تجارت و نیازمندی ملل و مردم نسبت به کالاهای وارداتی بیشتر خواهد شد. این مولفه که در برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای دنبال می‌شود به ارائه نوعی از سبک زندگی به مخاطبین می‌انجامد که مصرف‌گرایی، تجمل و چشم و هم‌چشمی را به عنوان ارزش معرفی می‌کند که این امر مغایر با ارزش‌های دینی و ملی جامعه ایران بوده است.

دشمنان ایران خانواده را آماج جنگ شناختی قرار داده و سعی می‌کنند با شگردهای مختلف حجاب زنان را کم‌رنگ و غیرت مردان را کاهش داده تا از این طریق کانون خانواده را فرو بریزند. بنابراین دشمنان ملت ایران تضعیف کانون خانواده را با شگردهای پیچیده‌ای در دستور کار جنگ شناختی خود قرار داده و با القای گزاره‌های همچون حجاب محدودیت است، زندگی بهتر در گرو رابطه غیرمتعهدانه و آزادانه است، تشکیل خانواده تعهدآور و فرزنددار شدن مسئولیت‌زاست، ازدواج‌های سفید و هم‌خانگی راه فرار از مسئولیت اجتماعی است، خانواده سبب ازدیاد جمعیت و افزایش جمعیت ریشه همه مشکلات است، خانواده پرجمعیت نشانه عقب‌افتادگی است و حیوانات زیادی مانند سگ و گربه می‌توانند جای فرزند را پر کنند، تلاش دارند کانون خانواده را در جمهوری اسلامی ایران فروپاشند.

وقتی مدیر عامل شبکه فارسی زبان «فارسی وان» مهمان برنامه صدای آمریکا (VOA) بود. مجری برنامه از او پرسید: برنامه آینده شما چیست؟ او گفت تا سال ۲۰۲۰ کاری می‌کنیم که مردهای ایرانی خودشان زن‌هایشان را برای نمایش دادن از خانه بیرون بفرستند. مجری برنامه گفت: مگر می‌شود مردهای ایرانی با آن همه غیرت این کار را بکنند؟ در جواب مهمان برنامه گفت: وقتی در آب صد درجه یک قورباغه را بیندازی یک دفعه بیرون می‌پرد، چون خیلی داغ است، اما وقتی یک قورباغه را در آب خنک بیندازی، برایش خیلی خوب است و وقتی آرام آرام آب جوش بیاید، قورباغه با اینکه گرمش است و می‌خواهد بیرون بیرون بیاید اما دیگه توانی برای بیرون پریدن ندارد. ما کاری می‌کنیم که زن‌های ایرانی آرام آرام تا جایی پیش بروند که دیگر خودشان بدانند که راهی برای برگشت ندارند (شیرینی، ۱۳۹۶).

۲- اقدام های آمریکا در جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران

ابزار اصلی جنگ شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران رسانه است. ناآرامی های سال ۱۴۰۱ نشان داد اغلب مردم در کشور بالاخص جوانان، از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند و همین امر موجب شده تا دشمن در جنگ شناختی خود به راحتی این طیف را تحت تأثیر قرار دهد. اجرای عملیات های گسترده علیه امنیت روانی مردم ایران در قالب کمپین های گسترده سیاسی و اجتماعی، حوزه ای از تلاش های آمریکا برای فشار بر مردم ایران بود. راه اندازی جنگ اطلاعاتی و شناختی با عاملیت نهادهای اطلاعاتی و نظامی مانند سیا، سایبرکام و سنتکام، در خود آمریکا نیز هیاهو به راه انداخت. به طوری که افشای بخش کوچکی از عملیات فریب سایبری گسترده آمریکا علیه افکار عمومی ملت ایران، باعث شد واکنش های مقامات آمریکایی را برانگیزد و حتی پس از آن برخی رسانه های آمریکایی تلاش کردند تا برای درزگیری از رسوایی به وجود آمده برای دولت آمریکا از سطح و گستره عملیات های ننگین انجام شده بکاهند. ردیابی و شناسایی چند صد هزار حساب کاربری قلابی فارسی زبان از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که با توسل به اخبار جعلی و بزرگنمایی مشکلات و کوچکنمایی دستاوردها، اقدام به تولید میلیون ها پیام و محتوای گمراه کننده برای فریب مخاطبین فارسی زبان می کردند. هدف پنهانی این کمپین ها ترویج تنفر در جامعه ایرانی و ایجاد رفتارهای خشن بود. افزون بر این، تامین مالی و شبکه سازی کنشگران اجاره ای ضدانقلاب برای اجرای جنگ شناختی علیه مردم ایران از طریق آنچه که «مرکز تعامل جهانی (GEC) نامیده می شود، نمونه ای از فعالیت های آمریکا در این حوزه بود» بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، ۱۴۰۱).

«کیت کلارنبرگ» روزنامه نگار تحقیقی انگلیسی با انتشار گزارشی با عنوان «رمزگشایی از جنگ آنلاین پنتاگون علیه ایران» اشاره می کند؛ ناآرامی های داخلی در ایران در واکنش به مرگ اخیر مهسا امینی ۲۲ ساله نشانه ای از یک جنگ مخفی تحت حمایت غرب است که چندین جبهه را پوشش می دهد. کلارنبرگ با استناد به بررسی ها و پژوهش اخیر دو مؤسسه گرافیکا و نظارت اینترنتی استنفورد^۳ استدلال می کند که چگونه پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) با استفاده از «ارتش بات ها و ربات ها» و ایجاد

1. Klarenberg
2. Graphika
3. The Stanford Internet Observatory

گسترده حساب‌ها و شخصیت‌های جعلی در فضای مجازی، فضای فکری و روانی مردم ایران را دستکاری می‌کند و آنها را به سمت اقدامات ساختار شکنانه سوق می‌دهد. یک راهبرد کلیدی که توسط متخصصان روان‌شناس ارتش ایالات متحده استفاده می‌شود، ایجاد چندین رسانه ساختگی است که محتوا را به زبان فارسی منتشر می‌کنند (Klarenberg, 2022).

دو موسسه یاد شده اواخر ماه سپتامبر ۲۰۲۲ با استفاده از اطلاعات ارائه شده از سوی مدیران متا، اینستاگرام، توئیتر و فیسبوک در مورد حساب به ظاهر شخصی یا سایت رسانه‌ای جعلی، نتیجه پژوهشی را منتشر کردند که از عملیات نفوذ ارتش ایالات متحده خبر می‌دهد. این حساب‌ها به صورت مستقیم به فرماندهی مرکزی ایالات متحده^۱ و برخی از رسانه‌های خبر پراکنی وابسته به دولت آمریکا ارتباط داشته‌اند. تحقیقات این دو موسسه نشان می‌دهد یک شبکه به هم پیوسته از حساب‌ها در توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام و پنچ پلتفرم رسانه اجتماعی دیگر از تاکتیک‌های فریبدهنده برای ترویج روایت‌های مورد حمایت غرب استفاده می‌کردند. این حساب‌ها در هفت گروه بر اساس قدرت و روابط آنها با یکدیگر در کنار تحلیل زبانی، علاقه‌مندی و ویژگی‌های رفتاری دسته‌بندی می‌شوند. بخش‌های اصلی شبکه به جمهوری اسلامی ایران مرتبط بوده و سه مورد از گروه‌بندی‌ها یعنی حدود نیمی از نقشه (۴،۴۵ درصد) بر ایران متمرکز شده‌اند. موارد متعددی از حساب‌ها در گروه ایران وجود دارند که محتواها را از منابع مرتبط با ارتش ایالات متحده به اشتراک گذاشته‌اند. گزارش‌ها در این حساب‌ها، سیاست‌های داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را مورد انتقاد قرار داده و دخالت‌های پرهزینه بین‌المللی دولت را، از بین برنده قدرت دولت در مراقبت از شهروندانش توصیف می‌کنند. پست‌ها، این پیام را ترویج می‌کردند که دولت از ایرانی‌ها می‌گیرد تا به حزب‌الله بدهد. انتقاد این حساب‌ها از نیروی قدس سپاه و فرماندهی آن (قاسم سلیمانی) به شکلی توجیه می‌شد که اقدامات آن ضد ارزش‌های اسلام تبلیغ می‌شد (stanford, 2022).

اندیشکده‌های بزرگ و فعال آمریکا نیز نقش مهمی در جنگ شناختی آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران دارند؛ اندیشکده‌ها با استفاده از برگزاری همایشها، گردهمایی‌ها، سخنرانی‌ها، انتشار اخبار و مقالات سعی دارند فعالیت‌ها و پیشرفت‌های ایران اسلامی در زمینه‌های مختلف را تهدیدزا و امنیتی جلوه دهند، بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از این اندیشکده‌ها است. سعید قاسمی نژاد از همکاران

پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی در یادداشتی در تاریخ پنجم جولای ۲۰۱۸ م. با عنوان «سقوط ریال تهران را آشفته می‌کند» به ناآرامی‌های اقتصادی ایران اشاره و پیشنهاد می‌کند که تمرکز فشار اقتصادی واشنگتن باید بر روی کاهش صادرات نفت ایران و دستیابی آن به ارز قوی، از طریق سیستم مالی بین‌المللی باشد. آمریکا همچنین باید برای دور زدن سانسورهای تحمیل شده توسط تهران بر اینترنت، حمایت فنی برای مردم ایران را فراهم کند. چون این سانسورها دسترسی به رسانه‌های اجتماعی که برای سازماندهی تظاهرات اهمیت کلیدی دارند را محدود می‌کند. وی بیان می‌کند که برای کمک به نیروهای طرفدار دموکراسی در ایران، یک گام مهم دیگر بازسازی VOA فارسی و رادیو فردا است (میراحمدی، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۵). چرا که این رسانه‌ها ابزار مهم برای پیشبرد جنگ شناختی آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران است و برنامه‌های پخش شده در این رسانه‌ها با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای تاثیر زیادی بر افکار مخاطبین می‌گذارد.

مایکل لدین، یکی از نومحافظه‌کاران و از محققان مشهور این موسسه، در سال ۲۰۱۵ م. و زمانی که ایران و قدرت‌های بزرگ در حال رایزنی و مذاکره برای رسیدن به توافق هسته‌ای بودند، در مطلبی نوشت: «من فکر می‌کنم همان تغییر رژیم غیر خشونت‌آمیز، امروز در ایران - و جاهای دیگر - ممکن است. شانس‌های موفقیت تغییر رژیم در ایران به طور قابل توجهی بهتر از امپراتوری شوروی دوران گورباچف در دهه ۱۹۸۰ م. است. درصد شهروندان ایرانی که آماده نشان دادن مخالفت‌شان با [آیت‌الله] خامنه‌ای و دیگران هستند، بسیار بیشتر از شهروندان شوروی است و رژیم ایران به طور قابل توجهی ضعیف‌تر است. شوروی ابرقدرت بود، اما ایران نیست. اتحاد شوروی سلاح‌های هسته‌ای و ارتشی بزرگ داشت، اما جمهوری اسلامی ایران این‌ها را ندارد» (پورسعید، شاپوری، ۱۳۹۷: ۶۵).

مقامات آمریکا با استفاده از کنش‌های کلامی و زبانی و ایجاد فضا و زمینه تهدید‌نمایی ایران، جنگ شناختی را بر علیه جمهوری اسلامی ایران بکار می‌گیرد. ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سخنرانی‌های خود تلاش می‌کرد جمهوری اسلامی ایران را عامل همه خرابی‌ها و بدی‌ها در منطقه و حتی جهان نشان دهد. ترامپ در این زمینه حتی از جورج بوش هم فراتر رفت و اتهامات واهی جدید علیه ایران طرح کرد. او دائماً از واژه‌هایی مانند «رژیم» یا «دیکتاتوری» به جای جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کرد و سعی می‌کرد ایران را معادل رژیمی خرابکار و بدسرشت برای دنیا تصویر کند. ترامپ

از اتهاماتی همچون همکاری پنهانی با کره شمالی، دیکتاتوری در داخل، ثبات‌زدایی در منطقه، حمایت از تروریسم، تهدیدات موشکی علیه دیگران، توسعه‌طلبی منطقه‌ای و انجام حملات سایبری در فضای مجازی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در راستای این هدف خویش استفاده می‌کرد (یزدان‌فام، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۸۲).

ترامپ تلاش نمود تهدید ایران را بر ساخته تا از این طریق به ایران هراسی دامن بزند. او فعالیت همه سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه را مستقیم و غیر مستقیم به ایران نسبت می‌داد و بر لزوم وحدت کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بر ضد تروریسم و حامی دولتی آن (که به قول آنها ایران است) تاکید می‌کرد. در سند راهبردی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸، هفده بار به کلمه ایران اشاره شده است که آن را می‌توان ذیل پنج شاخص بی‌ثباتی، تهدید موشکی، برنامه هسته‌ای، تروریسم و حملات سایبری تقسیم کرد. در این سند نیز بیشترین توجه به نقش بی‌ثبات‌کنندگی ایران در منطقه بوده است. در سند استراتژی دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸، شش مرتبه از ایران به عنوان «رژیمی یاغی» در کنار کره شمالی یاد شده است که حامی تروریسم است مروج خشونت و مهم‌ترین چالش برای ثبات در خاورمیانه است (خداوردی و غفاری چراتی، ۱۳۹۹: ۲۲). با توجه به اینکه در جنگ شناختی تغییر فکر و رفتار امر مهمی محسوب می‌شود، ایران هراسی مقامات آمریکایی با کنش‌های کلامی و زبانی در محافل مختلف، موجب افول جایگاه ایران در افکار عمومی جهان شد. براساس نظر سنجی که موسسه تحقیقات پیو انجام داد، از میان ۳۹ کشوری که نظرسنجی در آن‌ها به عمل آمد، تنها دو کشور پاکستان و اندونزی، بیش از نیمی از مردم درباره ایران نظری مثبت داشتند. بیشترین نظر منفی به ایران در اسرائیل، کشورهای اروپای غربی و آمریکا با فراوانی بیش از ۸۰ درصد گزارش شد. در میان کشورهای اسلامی، اردن با ۸۱ درصد نظر منفی و مصر با ۷۸ درصد، ترکیه با ۶۸ درصد، لبنان با ۶۰ درصد و فلسطین با ۵۵ درصد در رده‌های بعدی قرار داشتند (Zainulbhai & Wike, 2015).

در زمان بایدن جنگ شناختی به بهانه حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت که نمونه بارز آن حمایت از ناآرامی‌هایی سال ۱۴۰۱ بود. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در نشستی با خبرنگاران در واشنگتن در آذرماه ۱۴۰۱ بیان کرد: «شجاعت مردم ایران، به ویژه زنان، دختران و جوانان ایرانی الهام‌بخش مردم جهان است.» وی مدعی شد: «ما در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم و به روشنگری درباره نقض حقوق

بشر توسط مقامات ایران ادامه خواهیم داد.» ند پرایس با اشاره بر متمرکز شدن ایالات متحده آمریکا بر ناآرامی‌های ایران تأکید کرد؛ ما بر حمایت از معترضان در سراسر ایران و پاسخگو کردن مقاماتی که مسئول سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات هستند، متمرکز هستیم. کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا نیز قطعنامه‌ای در حمایت از اغتشاشات و آشوب‌ها در ایران تصویب کرد که در این قطعنامه، از دولت جو بایدن خواسته شد به بهانه نقض حقوق بشر و در حمایت از اغتشاشات تحریم‌های جدیدی علیه مقامات و نهادهای ایرانی اعمال کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱/۹/۱۷).

مخاطب جنگ شناختی رسانه‌های آمریکایی، همه مردم جامعه هستند، از عوام تا خواص مخاطبان جنگ شناختی هستند. اغتشاشات سال گذشته در کشور نشان داد، جنگ شناختی به قشر نخبه جامعه هم رحم نکرد و برخی از طیف اهل باصطلاح فکر و اندیشه نیز تحت تأثیر جنگ شناختی آمریکا قرار گرفتند.

۳- تکنیک‌های جنگ شناختی آمریکا

هم اکنون، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بزرگ دنیا، بخشی از اخبار خود را به جمهوری اسلامی ایران اختصاص می‌دهند که Fox News, CNN, VOA و... نمونه‌های پر قدرتی از این رسانه‌ها هستند. در کنار این رسانه‌های پر قدرت، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با حمایت آمریکا مشغول به فعالیت در حوزه جنگ شناختی هستند. در این نوع جنگ به منظور مدیریت ذهن مخاطب، تکنیک‌های متفاوتی متمرکز بر موقعیت، خبر، مخاطب هدف یا نوع پردازش اطلاعات به کار گرفته می‌شود که در اینجا به مهمترین تکنیک‌های جنگ شناختی آمریکا اشاره خواهد شد.

۳-۱- برجسته‌سازی

برجسته‌سازی اشاره به تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش ما و تعیین اولویت‌های ذهنی با بزرگ کردن بعضی از رویدادها در قالب خبر و گزارش است. رسانه‌ها اگرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» ببینند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره چه» ببینند. رسانه Voa و شبکه ماهواره‌ای با تمرکز بر روی بعضی از رویدادها، تلاش می‌کند بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر دلخواه بگذارد. این شبکه‌ها تلاش می‌کنند با برجسته‌سازی و تکرار اخبار افکار عمومی را مهندسی نمایند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۲۰). برجسته‌سازی واقعیت روزمره بخش زیادی از اخبار ایران در رسانه‌های دنیا و رسانه‌های معاند

است. به طوری که اگر اتفاق ناخوشایندی که نمونه‌های آن در کشورهای دیگر هم رخ می‌دهد در ایران اتفاق بیفتد، به شکل غیرمتناسبی بزرگ‌نمایی می‌شود و اگر اتفاق مثبتی رخ دهد، آن خبر حذف می‌شود و یا جنبه‌های فرعی آن پررنگ می‌شود. بیش از حد نشان دادن آمارهای مربوط به طلاق، خودکشی، کودک‌آزاری، آمار زندانیان (حتی تا چند برابر)، بزرگ‌نمایی فرار دختران از خانه و برجسته‌سازی اعتراضات صنفی از جمله روشهایی است که در جنگ شناختی رسانه‌های آمریکایی استفاده می‌شود.

۲-۳- اهریمن سازی

در تاکتیک اهریمن سازی با استفاده از برجسب زنی صفات منفی به حریف، تلاش می‌شود برای به کارگیری اقدامات ضدبشری و اهریمنی علیه کشور هدف زمینه‌چینی شود. نگاهی به تولیدات سینمایی هالیوود و رویکرد رسانه‌های آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی با استفاده از تکنیک اهریمن سازی به شدت از سوی رسانه‌های غربی دنبال می‌شود. در یک بررسی به منظور تحلیل کنش کلامی سرمقاله چهار روزنامه واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال و دیلی تلگراف، در خصوص مناقشه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، مشخص شد این چهار روزنامه از طریق برساختن تهدید هسته‌ای، ایران را به عنوان عامل ناامنی جهانی جلوه می‌دهند و بر افکار عمومی، رفتارها و مواضع سایر کشورها در قبال آن تأثیر می‌گذارند (امیدی و مرادی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

یک انجمن اطلاعاتی در آمریکا که برای دستگاه سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور کار می‌کند، در سال ۲۰۱۸ در گزارشی با عنوان «ارزیابی تهدید در سراسر جهان»، بیان می‌کند: «ما بر این عقیده هستیم که ایران به دنبال تلاش برای نفوذ به شبکه‌های آمریکا و متحدان آن، به منظور جاسوسی و حملات سایبری است.» (Coats.2018:6).

آمریکا از این روش برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهان و منطقه استفاده می‌نماید و وانمود می‌کند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است که این موضوع برای آینده کشورهای منطقه خطرناک است و به نوعی به ایران‌هراسی در منطقه دامن می‌زند. همچنین سینمای هالیوود با ساخت فیلم‌هایی بر علیه ایران سعی دارد تنفر و دشمنی مخاطبان خود را بر علیه ایران برانگیزاند.

۳-۳- اتهام دروغین

سرن و مقامات آمریکا از هر ابزاری از جمله رسانه های گسترده خود، حضور در کنفرانس های خبری و شرکت و سخنرانی در سازمان های بین المللی به منظور اتهام و ادعاهای دروغین علیه ایران استفاده می کنند و مخاطب آنها نه فقط مقامات دیگر کشورها بلکه مردم سراسر دنیا می باشند تا به این طریق چهره ای امنیتی و تهدیدساز از ایران برای جامعه بشری جلوه دهند.

۳-۴- برچسب زدن

بر اساس این تکنیک، رسانه ها واژه های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل می کنند و آنها را به آحاد و یا نهادهای مختلف نسبت می دهند. اصحاب رسانه ها می کوشند تا با القاب مثبت یا منفی برداشت های اولیه ما را درباره موضوعات مورد نظر تحت تاثیر قرار دهد، به کارگیری بعضی عناوین مانند تروریست، متحجر و... ما را به نتیجه ای متفاوت سوق می دهد و نوع برداشت ما را درباره یک فرد یا مفهوم و یا گروهی مشخص برای تحریک به رد فکر، عقیده و یا آن گروه مورد نظر بدون بررسی شواهد مورد استفاده قرار می دهند (Lee, 1939). مفاهیمی نظیر محور شرارت، حامی تروریسم، انتخابات فرمایشی، ارتجاع دینی و مذهبی از نمونه هایی است که آمریکا با استفاده از رسانه های گروهی به کرار از آنها در خصوص ایران استفاده کرده است.

۳-۵- سرایت و هم‌رنگی

جنگ شناختی آمریکا اغلب با استفاده از اصل هم‌رنگی چنین به مخاطبان ایرانی القا می کند که بیشتر مردم با سیاستهای حاکم مخالف‌اند. برای نمونه، «کمتر کسی در انتخابات شرکت می کند»، «همه می خواهند به زودی شاهد دمکراسی در کشورشان باشند»، «کسی دیگر اینها را قبول ندارد»، «مردم از روحانیون بیزارند»، «همه مسئولان غرق فسادند»، «دیگر کسی تمایلی به حکومت اسلامی ندارد» و ... (الیاسی، ۱۳۸۴: ۱۸).

۳-۶- حذف و تحریف آگاهانه

تحریف، طیف وسیعی از دروغ تا کتمان حقایق را دربر می گیرد و می تواند به شکل تحقیر و بی ارزش کردن مخالفان و تعریف و بزرگ کردن امتیازات طرفداران باشد. مخدوش کردن اطلاعات،

پرت کردن حواس مخاطب، جلب توجه او به مسائل دیگر به طوری که از موضوع اصلی غفلت کند و ساده کردن بیش از حد مسائل پیچیده، از شیوه‌های تحریف حقایق به شمار می‌رود (اسدی، ۱۳۷۱). رسانه‌های آمریکا اغلب بخشهایی از اخبار و پیامها را حذف یا تحریف می‌کنند که موجب تغییر در محتوا و معانی آن مفاهیم می‌شود. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص فرمودند: «آنها [رسانه‌های معاند] برای اجرای این سیاست، با بزرگ کردن چهره زشت و فاسد رژیم طاغوت و پوشاندن خیانت‌های آنها، حتی به دنبال تزیین و آرایش تصویر سراپا جنایت ساواک هستند و در مقابل، با مخدوش کردن چهره انقلاب و امام بزرگوار، پیشرفت‌ها، حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً کتمان، و نقاط ضعف را صدها برابر بزرگ‌نمایی می‌کنند.» (فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹).

نتیجه‌گیری

در طول بیش از چهار دهه گذشته ایالات متحده آمریکا راهبردهای مختلفی را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران که چالش جدی برای آن کشور در نظام بین‌الملل و منطقه بوده، به کار گرفته که این راهبردها جنبه سخت و نرم داشته است. نتیجه نگرفتن از رویکردهای سخت همچون تهدید نظامی و تحریم اقتصادی، آن کشور را واداشته تا عرصه مقابله را به جنگ شناختی با هدف تاثیر گذاری بر ذهن مردم تغییر دهد که با جایگزینی رسانه‌های مستقیم اینترنتی به جای روش‌های سنتی مورد استفاده مردم برای کسب آگاهی، استفاده از این ابزار بدون هزینه و به آسانی میسر بوده است. در این جنگ مدیریت ادراک صورت می‌گیرد که ترکیبی از طراحی، عملیات امنیتی - اطلاعاتی، پوشش، فریب، القاء و عملیات روانی است که به تغییر و دستکاری شناخت جامعه هدف نسبت به نظام سیاسی منجر می‌شود و در چنین شرایطی آمریکا به اهداف خود که با استفاده از ابزارهای مختلف محقق نشده است، خواهد رسید که در این صورت خسارت و هزینه‌های تحمیلی بر کشور به مراتب بیشتر از خسارت جنگ‌های سخت خواهد بود. بنابراین با توجه به آثار سوء جنگ شناختی، مقابله با این نوع جنگ نیازمند تلاش همه جانبه است که این تلاش در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بیش از سایر حوزه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که وجود مشکلات در این سه حوزه مورد اشاره افراد جامعه را در برابر این نوع جنگ، بیش از پیش آسیب پذیر می‌سازد. از این رو مقابله جدی با جنگ شناختی دشمن امر

ضروری بوده و دولتمردان باید اهتمام جدی به این مهم داشته باشند که موارد زیر در این خصوص پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به اینکه آسیب‌های اقتصادی موجود در کشور، فرصت را برای بکارگیری این نوع جنگ فراهم می‌کند، سروسامان دادن به وضعیت اقتصادی کشور یکی از ضرورت‌های جدی بوده و از تمامی ظرفیت‌های موجود در کشور برای حل مشکلات اقتصادی استفاده شود.

- با توجه به اینکه واگرایی در جامعه یکی از اهداف جنگ شناختی بوده، تقویت وحدت و انسجام ملی با ارتقاء وضعیت دموکراسی، حقوق بشر، از بین بردن شکاف‌های طبقاتی، شکاف‌های قومی و مذهبی باید مورد توجه قرار گیرد.

- با توجه به تاکید بر بی‌اعتماد سازی در جنگ شناختی، بزرگ‌نمایی نقاط ضعف موجود در کشور با هدف تاثیر گذاری بر ذهن و افکار مردم، مورد توجه عاملین این نوع جنگ بوده، بنابراین نیاز است ضمن تلاش برای رفع نقاط ضعف موجود، دستاوردهای کشور برای مردم تبیین شود.

- آگاه کردن جامعه با اهداف جنگ شناختی آمریکا، گامی مهم در جهت مصونیت بخشیدن جامعه و پاسداری از هویت و ارزش‌های اسلامی خواهد بود که در این خصوص رسانه ملی مسئولیت مهم داشته ضمن اینکه از فرصت‌های موجود در فضای مجازی هم برای تبیین و روشنگری باید بهره گرفت.

فهرست منابع

- آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش (۱۴۰۰/۱۰/۱۹)
- آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی (۱۳۹۷/۱۱/۳)
- آجیلی، هادی (۱۳۹۴). نقش آمریکا، انگلیس، و رژیم صهیونیستی در فتنه ۱۳۸۸، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- آذرشب، معصومه؛ میرمردی، عیسی (۱۳۹۳). شاخصه های سبک زندگی اسلامی - ایران، اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم. <https://civilica.com/doc/327538>
- اسدی، علی (۱۳۷۱). افکار عمومی، تهران: انتشارات سروش.
- اسماعیلی، حجت؛ نصراللهی، اکبر (۱۳۹۴). بررسی نقش شبکه های فارسی زبان ماهواره ای بر رفتار سیاسی جوانان (مطالعه موردی: جوانان مناطق ۱ تا ۵ شهر تهران)، پژوهش های ارتباطی، ۲۲(۴)،
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۴). عملیات روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران: تحلیل محتوایی رادیو فردا و صدای آمریکا، عملیات روانی، ۳(۹)،
- امیدی، علی؛ مرادی فر، سعیده (۱۳۹۲). برسازی امنیتی فعالیت هسته ای ایران، سیاست جهانی، ۳(۴)، ۱۴۹-۱۲۱.
- امینی، امین؛ مبینی، زهرا (۱۴۰۲). تغییر ماهیت منازعات؛ ظهور جنگ شناختی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) (در دست چاپ).
- پژوهشکده صدر (۱۴۰۰). جنگ شناختی؛ آخرین الگوی دشمن برای حکمرانی در جهان، آمریکا شناسی، ۳(۱۱)،
- پورسعید، فرزاد؛ شاپوری، مهدی (۱۳۹۷). دولت ترامپ و شوروی سازی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی و چگونگی، مطالعات راهبردی، ۲۱(۳)، ۵۷-۱۰۱.
- جوانی، محمد (۱۴۰۱). علوم شناختی در جنگ شناختی، چاپ چهاردهم، تهران: نو اندیشای دنیای کتاب.
- حاجی زاده، سیروس (۱۴۰۱). تبیین زمینه ای، نظری، مفهومی و کاربردی جنگ شناختی، بازی جنگ، ۵(۱۰)، ۱۴۳-۱۰۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱/۹/۱۷)، ذوق زدگی آمریکا از تداوم ناآرامی ها و تکرار ادعای حمایت از ایرانیان، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84964543/>
- خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۸/۶). بیانیه تبیینی مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، قابل دسترسی در: <https://farsnews.ir/news/14010806000630>

- خداوردی، حسن و علی اصغر غفاری چراتی (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال ایران از منظر تحلیل لایه ای علت، مطالعات بین الملل، ۱۳(۵۱)، ۹-۴۵.
- ریاضی، وحید؛ اکبری، علی؛ باجلانی، صفدر؛ اکبری، حسن رضا (۱۳۹۹). معرفی مولفه ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران، راهبرد دفاعی، ۱۹(۷۳)،
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳(۳)، ۴۹ - ۶۲.
- شعبانی، محمد علی؛ بخشایش اردستانی، احمد؛ توحیدفام، محمد؛ مطلبی، مسعود (۱۴۰۲). مولفه های قدرت نرم ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (دولت یازدهم و دوازدهم)» مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۳۴)، ۲۱۱-۱۸۵.
- شمولی، همت الله و علی باقری دولت آبادی (۱۴۰۰). راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در دولت جو بایدن؛ از سیاست ژئوپلیتیک زدایی تا مشروعیت زدایی، مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۳)، ۱۴۷-۱۲۵.
- شیربیگی، محمد (۱۳۹۶). جنگ رسانه ای دشمن و راهکارهای مقابله، دانشگاه آزاد اسلامی دماوند. عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجبی ده برزنوئی، اصغر (۱۴۰۱). واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب آوری مقابله با آن با تاکید بر آموزه های قرآن، مطالعات دفاع مقدس، ۸(۳۱)، ۱۶۰-۱۴۱.
- قربانیان، مجتبی؛ کرداری، سمیه؛ اثنی عشیری، مهدی (۱۴۰۲). نقش قدرت نرم دشمنان در مدیریت رسانه و ارایه راهکارهای مقابله ای از منظر قرآن کریم، مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۴)، ۱۷۲-۱۴۹. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۹۸). سازوکارهای جنگ رسانه ای شبکه ماهواره ای من و تو علیه جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فارابی.
- کشاوری، محمود؛ سیاهپوش، امیر؛ ارجینی، حسین؛ نائینی، علی محمد (۱۴۰۲). طیف بندی مردم در جنگ شناختی و نقش بازیگران در نبرد هو شمنند به عنوان سرمایه انسانی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۹(۱۲۷)، ۱۰۱-۱۲۶.
- محبوب عشرت آبادی، محمد؛ شکوری مغانی، سعید (۱۴۰۱). جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی، مطالعات منابع انسانی، ۱۱(۴۴)، ۱۵۶-۱۸۰. محمدی، امیر (۱۳۹۵). نقش شبکه های ماهواره ای فارسی زبان در تغییر سبک زندگی شهروندان تهرانی، دومین همایش ملی رسانه، ارتباطات و آموزش های شهروندی.

- میر احمدی، فاطمه سادات(۱۳۹۷). نگاه دیگران؛ بحران اقتصادی و ایده فشارهای داخلی، دیده‌بان امنیت ملی، ۷(۷۶)، ۸۳-۸۸
- نزاکی، فرزانه(۱۳۹۴). بازنمایی انقلاب اسلامی ایران در تلویزیون ماهواره ای «من و تو»، تحلیل گفتمان انتقادی مستند از تهران تا قاهره، مطالعات ماهواره و رسانه های جدید، ۳(۱۲-۱۳)، ۱۱۷-۹۱.
- نیکونهاد، ایوب؛ بیوک، محسن(۱۴۰۳). طراحی و تصویر سازی مطلوب از «جهاد تبیین» در تقابل با پدیده جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه های رهبری معظم انقلاب، آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۵(۱)، ۱۱-۳۶.
- یزدانفام، محمود(۱۳۹۶). راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها، مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۶)، ۱۷۹-۱۸۴.

Coats daniel (2018) "Worldwide Threat Assessment", US Intelligence Community , Statement for the record, February 13, 2018

Klarenberg, Kit(2022)," Decoding the Pentagon's online war against Iran" OCT 1, 2022 <https://new.thecradle.co/articles-id/2622>

Lee A.M (1939). The Fine Art of Propaganda: A Study of Father Coughlins Speeches. New york; Harcourt, Brace, and copany.

Rosner, Yotam & Siman-Tov, David (2018), Russian Intervention in the US Presidential Elections: The New Threat of Cognitive Subversion. INSS Insight, No. 1031.URL: Russian Intervention in the US Presidential Elections: The New Threat of Cognitive Subversion | INSS

Williams, Michael C.(2003) "Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics", International Studies Quarterly, Vol. 47, No. 4

Zainulbhai, Hani; Wike, Richard 2015, Iran's Global Image Mostly Negative, Washington, DC: PEW Research Center

www.stacks.stanford.edu/file/druid:nj۹۱۴nx۹۵۴۰/unheard-voice-tt.pdf(August24,2022)